

نمودهای فضایی مدرنیته در شهر یزد و پیامدهای اجتماعی آن

فرهاد نصرتی نژاد / استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران Farhad.nosrati@gmail.com
 محمدرضا شعبانزاده / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، واحد پرند rezashabanzade@yahoo.com
 دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

چکیده

ورود مدرنیته در شهر یزد به لحاظ فضایی، ساختاری چندبخشی در این شهر به وجود آورده و به لحاظ اجتماعی، مناسبات جامعه یزد را دچار دگرگونی کرده است. از این منظر، در شهر یزد حتی در بخش‌هایی که هنوز ساختار فضایی آن سنتی است، مناسبات خانوادگی و خویشاوندی تغییر کرده و از نظر محتوایی رنگ و بویی شبه مدرن گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی نمودهای فضایی مدرنیته و نسبت‌های قابل مشاهده اجتماعی آن در شهر یزد است. داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی، مشاهدات میدانی و مصاحبه نیمه‌ساخت یافته جمع‌آوری شده، به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نمونه آماری در بخش مصاحبه‌ها، شامل ۱۵ خانواده از فضاهای سنتی و ۱۵ خانواده از فضاهای مدرن می‌باشد که با لحاظ تفاوت‌های شغلی، سنی، جنسی و وضعیت تأهل از فضاهای مختلف شهر یزد، با استناد به قاعده اشباع انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نمودهای فضایی مدرنیته در شهر یزد، به چهار بخش قابل تقسیم‌بندی است: فضاهای در حال گذار، فضاهای هیبریدی، فضاهای مدرن و فضاهای سنتی. همچنین در فضاهای مدرن و سنتی، نسبت‌های قابل مشاهده‌ای از روابط اجتماعی متناسب با آن فضا وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: فضا، مدرنیته، شهر، پیامدهای اجتماعی، یزد.

بیان مسئله

مدرنیته، که شکل فضایی آن شهر مدرن است با تغییر کالبد شهر، مناسبات اجتماعی آن را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع از یک سو، شهر خاستگاه مدرنیته است و از سوی دیگر، این مدرنیته است که شهر را محلی برای بروز خود تبدیل می‌کند و این مسئله به خوبی روشن می‌سازد که ارتباط و تأثیر دو سویه‌ای بین فضاهای شهری، و روابط اجتماعی وجود دارد. به عقیده نوربرگ شولتز، شهر بافتی است که باید شناخته شود؛ زیرا بیانگر صفات و خصوصیات اصلی وجود بشری است. بشر بدون شناخت خود، نمی‌تواند شهر را بشناسد و درباره آن طرح‌ریزی کند (شولتز، ۱۳۵۳، ص ۲۱ و ۲۲). به عبارت دیگر، مدرنیته که شکل فضایی آن شهر مدرن است با تغییر کالبد شهر مناسبات اجتماعی آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این رو، جامعه‌شناسی همچون زیمل، از پیامدهای فضایی آن تحت عنوان «دل‌زدگی» یاد کرده‌اند. مارکس نیز شهر را جایی می‌داند که هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود (برمن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲). به عبارت دیگر، دیوید لاین می‌گوید: شهر همچون کوره‌ای است که مدرنیته در آن شکل و قالب می‌گیرد و بازآفرینی می‌شود (ر.ک: لاین، ۱۳۸۰). این تعابیر بیانگر ارتباط دوسویه بین فضا و جامعه است. آنچه اهمیت موضوع را بیان می‌کند، غلبه پرشتاب نموده‌های فضایی مدرنیته، بر فضاهای سنتی می‌باشد که به تبع آن، پیامدهای اجتماعی زیادی را به همراه خواهد داشت. به گفته جین جیکوب، نظر کردن به شهر یا حتی یکی از محلات آن، به‌عنوان یک مسئله هنری، اشتباهی محض است و معنایش این است که هنر را جانشین زندگی کرده‌ایم. درحالی که وقتی سخن از شهر به میان می‌آید، سر و کار ما با زندگی، آن هم به مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین صورت آن است (جیکوب، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸).

در مورد شهر یزد باید گفت: یزد، شهری تاریخی و فرهنگی است که تاریخ آن به پیش از اسلام برمی‌گردد. مسجد جامع فهرج، که تاریخ ساخت آن به نیمه دوم قرن اول هجری برمی‌گردد، نشان‌دهنده وجود فرهنگ و تفکر اسلامی در همان قرون اولیه در این سرزمین می‌باشد. پس از ظهور اسلام و تأسیس اولین حکومت محلی آل‌کاکویه در قرن پنجم قمری، به یزد لقب «دارالعباده» داده شد (سازمان میراث فرهنگی و جهان‌گردی استان یزد، ۱۳۹۱). شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و دینی بسیاری در یزد پرورش یافته‌اند که بیانگر عمق غنای فرهنگی و فکری مردم این سرزمین می‌باشد. روابط اجتماعی و فرهنگی مردم، دارای عمق و استحکام بسیاری در این سرزمین بوده است. از جمله شواهد این امر، برگزاری مراسمات با شکوه مذهبی می‌باشد که بیانگر پابندی مردم یزد به اصول اخلاقی و دینی است. علاوه بر ویژگی‌های اجتماعی، فضاهای شهری در یزد دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد که سیاحان زیادی در سفرنامه‌های خود به آن اشاره کرده‌اند. از جمله می‌توان به توصیف فروغ پورباوری اشاره کرد که می‌گوید: «وقتی به یزد سفر می‌کنی، تنها در پهنه جغرافیا جابجا نشده‌ای؛ در عمق تاریخ، به هزار توهای افسانه خزیده‌ای و تاریخ و افسانه در این شهر کویری چندان به هم آمیخته‌اند که بازشناختنشان ناممکن است. یزد بافتی دیگر، مردمی دیگر و اساساً جنس دیگری دارد. صفا و محبت مردم یزد را کمتر جایی

می‌توان سراغ کرد» (همان، ص ۹ و ۱۰). اما آنچه که در سالیان اخیر در شهر یزد با آن روبرو هستیم، توسعه فضاهای شهری و ساخت‌وسازهای بسیار به نام نوسازی یا به تعبیری دقیق‌تر، مدرنیزاسیون انجام می‌شود. توسعه‌ای که بیشترین پیامد آن در حوزه تخریب و یا تغییر کاربری بافت‌های قدیمی و به تبع آن، پیامدهای اجتماعی همسو با تغییرات شهری ناشی از این تخریب و ایجاد فضاهای مدرن می‌باشد. خیابان‌ها و بلوارهایی که از دل محله‌های قدیمی عبور می‌کند، آپارتمان‌هایی که در مرکز و اطراف یزد ساخته می‌شود و پاساژهای مدرن، با هیبتی ناموزون با فضاهای سنتی اطراف خود و حاوی فرهنگی متضاد با فرهنگ محیط شهر، تنها بخشی از تحولات مدرن سالیان اخیر در شهر یزد می‌باشد. این پژوهش، تحولات ناشی از این گذار را با تأکید بر وجود ارتباط بین دو متغیر فضاهای مدرن و پیامدهای اجتماعی قابل مشاهده در آن فضاها در شهر یزد با رویکردی انتقادی مورد بررسی قرار بدهد. به عبارت دیگر، به این پرسش‌ها پاسخ گوید که ابعاد فضایی مدرنیته در شهر یزد، چگونه نمود یافته است؟ پیامدهای اجتماعی مرتبط با نمودهای فضایی مدرنیته، در شهر یزد کدام است؟

پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های مختصری که در مورد فضاهای شهر یزد انجام شده، اشاره‌های مختصری به پیامدهای فضایی مدرنیته شده است، بدون اینکه دسته‌بندی مشخصی در حوزه فضاهای مدرن و یا پیامدهای اجتماعی آن شده باشد. علی شمعی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد»، به بیان دیدگاه‌های مختلف در حوزه اندیشه مدرن در شهرسازی پرداخته است. ایشان در ضمن اشاره به پیامدهای مثبت فضاهای سنتی و پیامدهای منفی فضاهای مدرن، راهکار تلفیق سنت و مدرنیته را ارائه کرده است، به گونه‌ای که ارزش‌های سنتی فضاها حفظ شده، از مزایای مدرنیته نیز استفاده شود.

عماد افروغ در کتاب *فضا و نابرابری اجتماعی*، به بررسی ماهیت فضا از نگاه دانشمندان زیادی پرداخته که هر یک از این دانشمندان بر اساس دیدگاه بنیادین و فلسفی در مورد فضا، به بررسی ماهیت فضا پرداخته‌اند (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۳۶). در این کتاب، به موضوع نابرابری اجتماعی که یکی از پیامدهای فضایی شهر می‌باشد، پرداخته شده است.

در رابطه با ارتباط مدرنیته و شهر نیز دانشمندان زیادی از پیامدها و ابعاد این ارتباط سخن به میان آورده‌اند. جابری مقدم در کتاب خود با نام *شهر و مدرنیته*، ارتباط بین دو مفهوم مدرنیته و شهر را از منظر دانشمندان مختلف، از لحاظ مبانی و اصول و یاه به لحاظ پیامدهای فضایی مدرنیته، در حوزه شهرسازی به خوبی بیان کرده است (هادی جابری مقدم، ۱۳۸۴، ص ۲۹). در این کتاب، ارتباط شهر با مبانی مدرنیته و ارتباط مدرنیته با مبانی فلسفی بررسی شده است. نگاه انتقادی به مدرنیته و نقش آن در شهر و نگاه انتقادی به انسان مدرن از ویژگی‌های این کتاب است.

با توجه به خلأ پژوهش، در خصوص نموده‌های فضایی مدرنیته در شهر یزد و پیامدهای اجتماعی آن در حوزه‌های اجتماعی، بخصوص خانوادگی، خویشاوند و همسایگی، این پژوهش با هدف بررسی نموده‌های فضایی مدرنیته در شهر یزد و پیامدهای اجتماعی آن در حوزه‌های یاد شده انجام شده است.

مبانی نظری

در مورد شهر به‌طور کلی، تعاریف گوناگونی ارائه شده است که هر یک، به ویژگی‌های بارزی از شهر اشاره دارد. سنبارت، شهر را جایی می‌داند که افراد همدیگر را نمی‌شناسند (پرهام، ۱۳۵۵). بنابر نظر وبر، شهر همانند یک اندام زنده اجتماعی، محل اسکان طبیعی انسان متمدن می‌باشد (وبر، ۱۳۶۹). در مورد شهر، نگرش‌های ساختی، سیستمی و شبکه‌ای وجود دارد که شهر را همچون شبکه‌های ارتباطی در نظر می‌گیرند که در درون آنها، خیابان‌ها اتصال خانه‌ها و فروشگاه‌ها را امکان‌پذیر می‌کنند (برونه و همکاران، ۱۹۸۸، ص ۲۶۲). از آنجاکه این پژوهش، به بررسی نموده‌های فضایی مدرنیته و نسبت‌های اجتماعی قابل مشاهده آن در شهر یزد می‌پردازد، نظریه‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به یکی از این دو موضوع اشاره دارند.

زیمل: در اندیشه زیمل، سه وجه اساسی ابعاد فضایی جهان فیزیکی عبارتند از: ۱. انحصار: منحصر به فرد بودن فضای جغرافیایی؛ ۲. مجاورت فضایی و فاصله: نزدیکی یا فاصله عاملان از یکدیگر و از اشیاء ساکن و بی‌تحرک؛ ۳. جابجایی در فضا: تحرک یا بی‌تحرکی اشیاء و مصنوعات موجود در این فضا.

در موضوع مجاورت و فاصله فضایی، به عقیده زیمل مجاورت و فاصله فیزیکی، عامل مؤثری در شکل‌گیری روابط اجتماعی است. اکثر روابط مبتنی بر مجاورت فیزیکی، شدیدتر از روابط مبتنی بر فاصله فیزیکی زیاد است. فریسی، در مقدمه کتاب خود در مورد مقاله زیمل با عنوان *جامعه‌شناسی فضا* چنین می‌نویسد:

هر یک از موضوعات زمان، کمیت و حجم در مراحل مختلف کار زیمل بررسی شده‌اند، اما بحث فضا بیشترین قسمت کار مهم جامعه‌شناسی وی را شکل می‌دهد. بررسی فضا به‌عنوان بعد حیاتی کنش‌های متقابل اجتماعی و همین‌طور ترکیب‌های فرهنگی، از آن دست پروژه‌هایی است که در بسیاری از جنبه‌ها می‌توان زیمل را پیشگام آن دانست (فریسی، ۱۹۹۷، ص ۱۰ و ۱۱).

ورلن می‌نویسد:

ثابت بودن یک شیء مادی باعث می‌شود که کنشگران برای استفاده به‌سراغ آن بروند. این بدان معناست که برخی روابط اجتماعی باید پیرامون اشیاء مادی غیرمنقول شکل یابند. مکانی که از لحاظ فضایی برای اشیاء غیرمنقول تعریف شده است، عنصری مهم در کنش‌های متقابل انسانی محسوب می‌شود. این عنصر، می‌تواند به شکل یک ساختمان و یا یک شهر باشد. به هر حال، مشخص است که این نقطه ثابت در دنیای فیزیکی، عامل مهم در روابط و بافت اجتماعی کلیه کسانی که با آن سروکار دارند است (ورلن، ۱۹۹۳، ص ۱۶۹).

از نظر زیمل، شهر یکی از مهم‌ترین مکان‌های مدرنیته است که منبعی برای جست‌وجو در شبکه کنش‌ها می‌باشد که همان جامعه است او می‌نویسد:

... تفاوت شهر و روستا در همه ابعاد به راحتی دیده می‌شود. شرایط زندگی در شهر یا شرایط زندگی در روستا کاملاً متفاوت است. به نحوی که محیط شهری دارای مشخصه‌های پیچیده و در مقابل فضای روستا به گونه‌ای آرام و پر احساس دیده می‌شود (زیمل، ۱۹۹۷، ص ۱۷۵).

در نتیجه، از نظر زیمل، گسترش بی‌تفاوتی دارای بافتی فضایی است. اساساً از نظر زیمل شهر، فرم فضایی مدرنیته است که از طریق آن، زندگی مدرن تجربه می‌شود. زیمل در مباحث مربوط به پیامدهای منفی فضاهای شهری مدرن، به وجود یک سیستم گردش سریع در شهر اشاره می‌کند که برای ایجاد فرصتی موقتی، برای کناره‌گیری از فشارهای کاری تحت تأثیر پول قرار دارد. او در کتاب *سفر به آلپ*، نشان می‌دهد که چگونه توده‌های ساکن در شهر با غلبه بر فاصله، راه‌گزینی به کوهستان‌های آلپ پیدا کرده‌اند. هر چند او این گریز را چیز خوبی می‌داند، اما معتقد است: این گریز امری موقتی می‌باشد و این چشم‌اندازها در نهایت و زود به حس روزمرگی دچار خواهند شد (ژیلینتس، ۱۳۹۳).

دور کیم: در توضیح ارتباط دین با فضا بیان می‌کند که کارکرد اصلی دین، تنظیم نیازها و کنش‌های افراد از طریق اتصال به امور قدسی و اعضاء به افراد، از طریق انجام مناسک جمعی است. از آنجاکه عقاید مذهبی درونی شده‌اند فرد به مناسک گوناگون و استحکام آنها نیازمند است. این امر موجب تقویت اتصال فرد به گروه و افزایش حس همبستگی می‌شود. او معتقد است: مصنوعات مادی محدودیت‌ها و الزاماتی بر روابط و کنش‌های انسانی اعمال می‌کنند. به اعتقاد دور کیم، این مصنوعات «حکم‌قالب‌هایی را دارند که ریخته‌گری اعمال و کنش‌هایمان ناگزیر درون آن انجام می‌شود» (دور کیم، ۱۹۸۲، ص ۷۰).

گارفینگل، بنیان‌گذار مکتب روش‌شناسی مردمی در جامعه‌شناسی، معتقد است: تعامل اجتماعی تنها در زمینه‌ها قابل فهم می‌باشد. مفهوم «زمینه»، در طرح مفهومی کنش متقابل نمادین نقش اساسی دارد. در واقع، ما در اینجا با دو عنصر زمینه و عرضه کنش مواجه هستیم. «زمینه»، محلی است که کنش متقابل در آن رخ می‌دهد و «عرصه» کنش یا قلمرو، رفتاری است که داخل زمینه‌ها انجام می‌شود. هر زمینه فیزیکی، با فرض اینکه بیش از دو عامل در آن حضور داشته باشد، می‌تواند به یک عرصه تبدیل شود (توسلی، ۱۳۶۹).

مارکس: به اعتقاد وی، هر آنچه جامعه مدرن در فرایند مدرنیزاسیون ساخته است، برای آن ساخته شده که تخریب شود (برمن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲). تمام ایذه‌های مدرن، ساخته می‌شوند تا زود مصرف شوند. مارکس در خصوص قداست‌زدایی مدرنیته می‌گوید: «هاله قداست تمام پیشه‌هایی را که تا این هنگام گرمی شمرده می‌شد و با هراسی توأم با وقار به آنها می‌نگریستند، دریده است...» (مک لاه لان، ۱۳۷۹، ص ۲۷۹). در سنت، لباس نماد پوشیدگی فکر، جسم و عمل انسان است. در مقابل در مدرنیته، عریان و برهنگی نمایانگر واقعیتی است که تازه

کشف می‌شود. همه اینها موجب آزادی بیشتر ابژه می‌شوند. اما همه اینها خود موجب دربند شدنی جدید برای او خواهد شد. به تعبیر رنه گنون، همراهی مستمر بحران با زندگی مدرن، به مثابه یک ضرورت ذاتی است (داوری اردکانی، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

گافمن: تأکید خاص گافمن بر زمینه‌های فضایی است که در آن تعاملات رخ می‌دهد. او بیان می‌کند که مردم در یک زمینه اجتماعی از طریق ابزارهای گوناگون، مانند شیوه لباس پوشیدن، خانه و کالاهایی که در اطرافشان موجود است، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. او توضیح می‌دهد که فعالیت‌های انسان در این زمینه‌های اجتماعی، ناحیه‌بندی شده می‌باشد. گافمن اظهار می‌دارد: «ناحیه جلو جایی است که یک اجرا و نمایش خاص در جریان است و ناحیه عقب جایی است که کنش مرتبط با این نمایش ظاهری اما مغایر با ظاهر بارور شده از سوی این نمایش رخ می‌دهد» (گافمن، ۱۹۷۱).

با استناد به نظریه‌های موجود در حوزه نمودها و پیامدهای فضایی مدرنیته، که برخی از آنها در بیان شد این پژوهش، به‌طور کلی به مطالعه و بررسی دو حوزه، در ارتباط با مدرنیته در شهر یزد پرداخته است:

الف. بیان نموده‌های فضایی مدرنیته: در این بخش، فضاهای موجود در شهر یزد با توجه به ویژگی‌های موجود در آن و نسبت آنها با فضاهای مدرن و سنتی برای شده‌اند.

ب. بیان نسبت موجود بین نموده‌های فضایی مدرنیته و پیامدهای اجتماعی مرتبط با آن در شهر یزد. افزون بر آن، با استناد به نظریه‌های یاد شده، مفروض این است که نموده‌های فضایی مدرنیته، دارای ارتباط و نسبتی با پیامدهای مختلف در حوزه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی است. اما از آنجایی که امکان بررسی همه مناسبات یاد شده، به دلیل محدودیت‌های زمانی ممکن نبود، و از سوی دیگر، تجربه زیست اجتماعی محقق که با فرهنگ مردم یزد و فضاهای شهر یزد به خوبی آشنا بوده و مطالعات و پژوهش‌هایی را در این زمینه داشته است انگیزه‌ای شد تا متغیرهای اجتماعی، در سه حوزه مرتبط به یکدیگر، یعنی مناسبات دورن خانوادگی، مناسبات بین‌خانوادگی و مناسبات بین همسایگی مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

برای بررسی پیامدهای فضایی مدرنیته شهر یزد، از روش‌های کیفی انسان‌شناختی، یعنی مشاهده، و مصاحبه بهره گرفته شده است. مصاحبه عمیق، که هم مشاهده‌کنندگان شرکت‌کننده و هم محققانی که وانمود نمی‌کنند جزئی از موضوع مورد مطالعه‌اند، از آن استفاده می‌کنند (ببی، ۱۳۸۱، ص ۵۸۴) بخشی از مطالعه این پژوهش است. در این بخش، علاوه بر مشاهده و مصاحبه، برای بیان نموده‌های فضایی مدرنیته در شهر یزد، از تحلیل عکس‌ها نیز بهره گرفته شده است. در حقیقت، داده‌ها از طریق عکس، نوب‌برداری و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته به دست آمده‌اند.

در تحقیق کیفی، تعریف و تبیین حدود جامعه مورد مطالعه، بر حسب مسائلی همچون پرسش‌های تحقیق، ضرورت موضوع، ویژگی‌های آن و ... مشخص می‌شود. در این پژوهش، با توجه به گستردگی موضوع به لحاظ فضایی و اجتماعی، افراد از دو گروه جوانان و بزرگسالان و با جنسیت‌های مختلف، بر اساس موقعیت مکانی، بافت قدیم و جدید شهر یزد انتخاب شده‌اند. این افراد، بخش عمده زندگی خود را در شهر یزد و با فرهنگ این شهر زندگی کرده‌اند. در این پژوهش، نمونه‌گیری بر پایه معیارهای معمول روش‌های آماری نمونه‌گیری قرار ندارد، بلکه افراد و گروه‌ها، بر اساس معیارهای نظری و میزان روشنایی بخشی احتمالی آنها برای نظریه تحقیق به صورت قضاوتی انتخاب خواهند شد. نمونه‌گیری نیز مبتنی بر اشباع می‌باشد؛ بدین صورت که گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که عناصر اساسی مطالعه، از نظر پژوهشگر به حد اشباع نظری برسد. انتخاب فضاهای مدرن و سنتی نیز بیشتر در محدوده مرکزی شهر یزد و فضاهای اطراف آن می‌باشد. برای سنجش پایایی، مصاحبه‌های پژوهش، از فرمول ضریب پایایی استفاده شده است (هولستی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶). برای سنجش پایایی، ابتدا ۳ مصاحبه را به صورت تصادفی انتخاب کرده، سپس این سه مصاحبه را در اختیار ۳ رمزگذار قرار می‌دهیم. مصاحبه‌ها در قالب ۱۸ گزاره، در یک جدول، خلاصه شده‌اند که رمزگذار پس از خواندن مصاحبه‌ها، در مورد گزاره‌ها باید نسبت به سنتی یا مدرن بودن آن با $x+$ و $x-$ نظر بدهد. مجموع نظرات که با N1 و N2 و N3 نشان داده می‌شود، همراه با تعداد تصمیم‌های مربوط به رمزگذاری که سه داور در مورد آن با هم توافق دارند و با M نشان داده می‌شود، در قالب فرمول C.R، که همان ضریب پایایی است، نشان داده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های مشاهده‌ای

مشاهدات نشان می‌دهد با مدرن شدن شهر یزد، چهار فرم فضایی در شهر قابل شناسایی است.

جدول ۱

ویژگی‌ها	فضاهای موجود در شهر یزد
محدوده بافت مرکزی شهر یزد که از طرف میراث فرهنگی به عنوان بافت قدیمی در نظر گرفته شده و محافظت می‌شود که شامل محلات متعدد می‌باشد. این فضاها شامل فضاهای مسکونی، بازار، مدارس علمیه و مساجد می‌باشند که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند.	سنتی
فضاهای سنتی از قبیل محلات می‌باشند که به واسطه ایجاد فضاهای مدرن در مجاورت آنها در حال دگرگونی و تغییر کارکرد می‌باشند.	در حال گذار
فضاهای سنتی مسکونی که با وجود حفظ ظاهر سنتی خود در اثر تغییرات درونی و محتوایی مدرن، کارکرد آنها دستخوش تغییرات ماهیتی شده است. مانند خانه‌های سنتی که تبدیل به هتل سنتی و یا رستوران سنتی شده‌اند.	هیبریدی (تاکسی درمی شده)
شامل میدان‌ها، بلوارها و آبار تمان‌ها می‌باشند.	مدرن

۱. فضاهای سنتی

به طور طبیعی، برای ورود به بافت سنتی از یک نقطه‌ای باید وارد شد که آن نقطه، کوچه می‌باشد. این کوچه‌ها خود دارای پهنا و عرض متفاوتی هستند که بسته به میزان تردد و بن‌بست بودن یا نبودن متغیر است. ویژگی دیگر، بعضی از این کوچه‌ها، مسقف بودن آنها است که معمولاً زیر این سقف‌ها، محلی نیز برای نشستن و استراحت کردن طراحی شده است.

عکس ۱. کوچه‌های مسقف همراه با فضایی برای استراحت



دیوار خانه‌ها معمولاً بلند می‌باشد که پنجره‌ای رو به کوچه ندارد. اتاق‌ها نور خود را از پنجره‌هایی می‌گیرند که به سمت حیاط خانه باز می‌شوند. محل ورود به خانه، در چوبی است که دو وزنه فلزی متفاوت از آن آویزان است: یکی به شکل حلقه و دیگری به شکل میله‌ای صاف است. هنگام کوبیدن در اگر مهمان، زن باشد کوبه حلقه‌ای و اگر مرد باشد، کوبه میله‌ای را می‌زند. حیاط خانه، در وسط و اتاق‌ها در اطراف آن وجود دارند، به طوری که درها و پنجره‌ها رو به حیاط باز می‌شود. همچنین، اتاق‌ها از درون نیز به یکدیگر متصل می‌باشند. در مورد مصالح استفاده شده، بیرون خانه، که کوچه‌ها را شکل می‌دهند و یا داخل خانه، از گاه و گل رس مخلوط شده، استفاده شده است. مصالح از محیط طبیعی، تهیه می‌شود و با اقلیم شهر یزد کاملاً سازگار می‌باشد. درهای داخل خانه، چوبی و بعضاً دارای شیشه‌های رنگی کوچک می‌باشند که زیبایی خاصی به لحاظ بصری به فضا می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مهم در طراحی این فضاهای سنتی عنصر حریم می‌باشد. اتاق مهمان‌ها، جدا طراحی شده و روابط زن و مرد را در چارچوب اعتقادات مذهبی تعریف می‌کند. در درون این خانه‌ها، روابط بین اعضاء گرم و صمیمی می‌باشند. روابط بین همسایگی نیز هر چند نسبت به گذشته تفاوت کرده، ولی شناخت نسبتاً بالایی در این فضاها نسبت به یکدیگر وجود دارد. در این فضاها، یکی از عناصر هویت‌بخش به افراد، «محل» می‌باشد؛ محله‌ای که افراد خود را متعلق به آن می‌دانند و احساس تعلق شدید به آن دارند. یکی از نتایج این احساس تعلق، ایجاد سیستمی غیررسمی از کنترل است که نسبت به ورود و خروج افراد از این محلات انجام می‌شود. نتیجه آن، افزایش ضریب امنیت این فضاها می‌باشد. هر چند کوچه‌های نسبتاً باریک، که موجب کاهش سرعت حرکت و رفت و آمد می‌شوند، در ایجاد این امنیت نیز مؤثر هستند. باریک بودن این کوچه‌ها،

علاوه بر ایجاد امنیت، موجب برخورد فیزیکی بیشتر افراد و در نتیجه، افزایش تعاملات اجتماعی می‌شود. فاصله نزدیک دیوارهای دو طرف کوچه و نزدیکی خانه‌ها به هم، ارتباطات همسایگی را افزایش می‌دهد. برخوردهای انسانی از نزدیک صورت می‌گیرد. ارتباطات کلامی، پیوند همسایگی را مستحکم می‌کند. در فضاهای سنتی، معمولاً تجارت در مکانی به نام «بازار» انجام می‌شود. بازارهای قدیمی یزد اکثراً مسقف هستند. این سقف‌ها گنبدی شکل و معمولاً بالای آن، دریچه‌ای برای دریافت نور و روشنایی، طراحی شده است. این دریچه، علاوه بر نورپردازی داخل بازار، عمل تهویه هوا را نیز به عهده دارد. در داخل بازارهای قدیمی یزد، فضاهای مختلفی طراحی شده است که مهم‌ترین آنها، مسجد می‌باشد. این مساجد، هم برای کاسبان بازار و هم مشتریان، بسیار مهم می‌باشد. رعایت مسائل دینی کارکردهای فراوانی دارد. از جمله این کارکردها که در دین به آن تأکید شده، رعایت حقوق مشتری موقع فروش مال، حسن ظن داشتن و اعتماد به یکدیگر، کمک به فقرا، عدم اسراف و غیره می‌باشد که در حوزه روابط اجتماعی، دارای پیامدهای بسیاری می‌باشد. از جمله این پیامدها، تقویت حس مشارکت اجتماعی، احساس همبستگی، احساس تعلق و احساس امنیت و آرامش، دوری از تجمل‌گرایی و قناعت می‌باشد. به همه این کارکردهای فضای دینی در بازار، مورد مهم دیگری را نیز می‌توان اضافه کرد و آن اعتقاد به تأثیر کسب روزی حلال، در تربیت فرزندان و حفظ بنیان و کیان خانواده است. فضای مهم دیگری که در مجاورت بازارهای قدیمی طراحی شده، مدارس علوم دینی است. احداث این مدارس، در کنار بازارهای قدیمی بیانگر ارتباط قوی میان دو نهاد علم و اقتصاد می‌باشد. در واقع، وجود سه عنصر فضایی مسجد، مدرسه و بازار، در کنار هم و در مرکز شهر، بیانگر این است که اولاً، در فضاهای سنتی، این سه عنصر فضایی یعنی، دین، اقتصاد و علم در ارتباطی تنگاتنگ و به هم پیوسته می‌باشند. ثانیاً، مرکز شهر به گونه‌ای طراحی شده که ویژگی ممتاز خود، این سه عنصر فضایی را حتماً در خود داشته باشد. نکته مهم دیگر در مورد بازارها، پیوستگی آنها به لحاظ فیزیکی با فضای اطرافشان می‌باشد. این به هم پیوستگی و نظم، به طور قطع ناشی از همبستگی و انسجام فکری و رفتاری ساکنان این فضاها، با یکدیگر بوده است. در خصوص بازارهای قدیمی، به لحاظ معناشناسی در مورد سبکی از طراحی شهری، به این ویژگی از بازارها می‌توان اشاره کرد که همه آنها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ضمن ایجاد فضایی خاص برای داد و ستد، اتصال‌دهنده دو یا چند بخش از فضاهای مختلف شهر به یکدیگر می‌باشند. به عبارت دیگر، دو طرف بازار مسدود نیست. بازار از محله‌ای به محله دیگر و یا درون یک محله امتداد دارد، به گونه‌ای که فرد از بازار، به‌عنوان فضایی برای عبور و جابجایی در فضای شهری استفاده می‌کند. در واقع این سبک طراحی، اشاره به این نکته دارد که فرهنگ گذشته این شهر، که متأثر از ارزش‌های دینی و انسانی می‌باشد، بازار را نه به‌عنوان مقصد، بلکه بخشی از مسیر زندگی اجتماعی خود می‌داند. به‌طور کلی، فضاهای سنتی در عین به هم پیوستگی، دارای نظم خاصی می‌باشند. ویژگی‌های این فضاها، تناسب رنگ فضا با اقلیم، طراحی داخلی متناسب و یکنواخت و طراحی متناسب و یک دست فضاهای عمومی است. این تناسب، بیانگر نسبتی است که بین فضا و روابط انسانی به صورت متقابل وجود دارد. فضاهایی که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های جامعه خود شکل گرفته‌اند و به صورت متقابل، این طراحی‌های فضایی، خود شکل‌دهنده، حفظ‌کننده و تقویت‌کننده آن فرهنگ و ارزش‌ها است.

۲. فضاهای در حال گذار

فضاهای در حال گذار از چندین فضای مستقل، که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و هم‌بستگی چندانی نیز با یکدیگر ندارند، تشکیل شده است. بخشی از این فضاهای مستقل، مربوط به نمودهای فضایی سنتی و بخشی دیگر، مربوط به نمودهای فضایی مدرنیته می‌باشد. در واقع فضاهای مدرن، با ورود به داخل بافت و فضاهای قدیمی، آنها را دستخوش تغییر می‌کنند. در فضاهای در حال گذار، نمودهای فضایی مدرن برای تأمین کارکرد خود، و نه همزیستی، در کنار فضاهای سنتی احداث می‌شوند. این‌گونه طراحی، پیامدهای فضایی و اجتماعی بسیاری را با خود به همراه دارد.

از جمله این فضاهای در حال گذار، خیابان‌ها و یا بلوارهایی است که در داخل فضاهای سنتی احداث شده‌اند. همجواری خیابان‌ها با فضاهای سنتی، پیامدهایی برای این فضاها به همراه دارد که موجب تغییراتی در آنها شده است. بی‌تردید، خیابان‌های و بلوارهایی که جدیداً در شهر یزد احداث شده‌اند، اگر نگوئیم همه فلسفه وجودی، حداقل بخش عمده دلیل احداث آنها برای دسترسی‌های فضایی صورت گرفته است که خود این دسترسی فضایی، به دو دلیل انجام می‌شود: الف. کاهش ترافیک، ب. کوتاه شدن فاصله انتقال.

بلوار بسیج در داخل بافت تاریخی احداث شده است. در واقع بلوار آیت‌الله کاشانی و خیابان سلمان فارسی را به هم متصل می‌کند که خیابان سلمان فارسی نیز، خیابانی است که از یک سو، به میدان امیرچخماق منتهی می‌شود. این بلوار، با عرض زیاد خود امکان انتقال سریع و با سرعت وسایل نقلیه را از ابتدا به انتهای خود میسر می‌سازد. از طرف بلوار کاشانی و چهار راه آن، که به داخل بلوار بسج حرکت می‌کنیم، فضاهایی را در دو طرف بلوار مشاهده می‌کنیم. به‌عنوان مثال، در سمت راست ما آب‌انباری خود را نشان می‌دهد که دقیقاً در کنار بلوار است. این آب‌انبار، کارایی خود را همانند بقیه آب‌انبارها از دست داده و فقط در فصولی از سال مسافران و گردشگرانی که از نقاط دیگر می‌آیند، از آن بازدید می‌کنند و عکس یادگار می‌گیرند.

عکس ۲. آب‌انبار واقع در بلوار بسیج



در کنار این آب‌انبار، خانه‌ای قدیمی وجود دارد که تبدیل به «رستوان سنتی» شده است. این اسم، به همراه «هتل سنتی» را زیاد در داخل فضاهای سنتی می‌بینیم. «رستوران» اشاره به مدرن بودن و «سنتی» اشاره به سنتی بودن دارد. در سمت چپ بلوار و به فاصله کمی از بلوار، داخل بافت قدیمی دو آپارتمان بزرگ وجود دارد که متعلق به شرکت نفت می‌باشد. این آپارتمان‌ها، در دل بافت قدیمی و در مجاورت کوچه‌های مسقف و مسجدی متعلق به دوره قاجار به نام مسجد «کوی تل» ساخته شده‌اند. در قسمت میانی بلوار، جاده‌ای آسفالت شده توجه انسان را به خود جلب می‌کند که وارد فضای سنتی می‌شود. ابتدای این جاده، ساختمان بزرگ و آجری مدرنی وجود دارد که ساختمان کتابخانه مرکزی یزد می‌باشد. در انتهای بلوار، بازار و مسجد قدیمی وجود دارد که قدمت آن به دوره ایلخانی می‌رسد. اتفاقی که در این قسمت بلوار افتاده، این است که این بازار قدیمی به وسیله بلوار به دو قسمت تقسیم شده است. تکه‌ای از بازار سمت چپ و تکه‌ای سمت راست بلوار قرار گرفته است. در نتیجه، احداث این بلوار، فضاهای دیگری به تبع آن احداث شده‌اند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به ساختمان شهرداری منطقه، محوطه‌ای برای بازی کودکان و چند هتل رستوران سنتی دیگر اشاره کرد. مشابه این اتفاق، در قسمت‌های دیگر فضاهای سنتی شهر یزد نیز افتاده است. محلات برای دسترسی آسان‌تر فضاها به یکدیگر، دچار این چنین شرایطی توسط خیابان شده‌اند که از آن جمله می‌توان به محله فهادان اشاره کرد که توسط خیابان فهادان، دو خیابان امام خمینی و سید گل‌سرخ به یکدیگر متصل شده‌اند. بلوار دولت‌آباد، که اتصال‌دهنده بین خیابان انقلاب و خیابان شهید مطهری می‌باشد، نمونه‌ای دیگر از این فضاها می‌باشد. احداث ترمینال اتوبوس، در کنار باغ دولت‌آباد و در دل محله‌های قدیمی، به واسطه این بلوار نمونه‌ای بارز از فضاهای در حال گذار در شهر یزد می‌باشد. همچنین، بلوار امام جعفر صادق ع و بلوار استقلال، مانند نمونه‌های قبل از مرکز محلات قدیمی گذشته و آنها را به تقسیم‌بندی‌های اجتماعی شمالی-جنوبی، تقسیم کرده، پیامدهای اجتماعی خاص خود را به دنبال داشته‌اند. میدان امام حسین ع که در مجاورت محله‌های قدیمی نعیم‌آباد و خرمشاه احداث شده، از نمونه‌های دیگر مجاورت فضاهای مدرن و سنتی در فضاهای در حال گذار است. افراد زیادی برای تردد و جابجایی از این مسیرها عبور می‌کنند که اغلب آنها غریبه می‌باشند.

این تردد زیاد، همراه با ناشناخته بودن، موجب کاهش کنترل غیررسمی، که بر این نوع فضا حاکم است، می‌شود. مهم‌ترین پیامد کاهش کنترل غیررسمی در فضاهای سنتی، کاهش امنیت مالی و روانی می‌باشد. این کاهش، امنیت مالی و روانی، خود موجب کاهش اعتماد اجتماعی و در واقع افزایش حس بی‌اعتمادی در این فضاها می‌شود. در نهایت، افزایش این حس بی‌اعتمادی موجب کاهش ارتباطات اجتماعی و در نتیجه، کاهش همبستگی اجتماعی می‌شود.

۳. فضاهای هیبریدی (تاکسی‌درمی شده)

«هیبرید»، به معنای دو رگ، پیوندی، دارای اجزای ناجور، نامتجانس، واژه‌های که از چند زبان ترکیب شده است (حییم، ۱۳۷۷، ص ۴۴۴). در تحقیقاتی که تاکنون با موضوع فضای هیبریدی انجام شده است، فضای هیبریدی، یک نمونه از تکنیک‌های کامپیوتری برای طراحی معماری با ویژگی ترکیب دوباره و آمیختگی مضاعف با حفظ اصل خود است (فرخ‌فر، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، «تاکسی‌درمی»، در لغت به معنای صنعت پرکردن پوست جانوران و درآوردن آنها، به شکل جانوران زنده است (حییم، ۱۳۷۷، ص ۹۹۰). آنچه که محقق در این پژوهش از فضاهای هیبریدی اراده کرده است، فضاهایی می‌باشد که ترکیبی از فضاهای مدرن و سنتی است. ترکیبی که قرار است از فضایی به ظاهر مرده، شکلی از موجود زنده ارائه کند. گردشگری، مثل سرطانی خوشایند همه سلول‌های مرده و نیمه‌زنده بافت‌های تاریخی را می‌بلعد. این یک رفتار کاملاً مدرن است که با جنازه سنت صورت می‌گیرد. هر طرح مرمت و احیاء، نه در جهت تقویت است، بلکه روشی برای هزینه کردن سنت در پای امر مدرن است. کالبدهای باقی مانده ماهیت و معنای فضا را در جهت منافع اقتصادی، از دریچه گردشگری تغییر می‌دهند پس باید صادقانه گفت: چیزی به نام «احیاء» وجود ندارد. آنچه واقعیت دارد، تاکسی‌درمی فضاست (اکبرزاده، ۱۳۹۶). این فضاها، در هر دو فضای مدرن و سنتی وجود دارند. فضاهای هیبریدی، در بافت‌های مدرن بیشتر خود را به شکل خانه‌ها، هتل‌ها و یا رستوران‌ها نشان می‌دهند. در خانه‌ها و هتل‌ها، ویژگی هیبریدی خود را به صورت طراحی بیرونی سنتی و درونی مدرن نشان می‌دهد. هتل‌هایی در شهر یزد وجود دارد که زمان ساخت آنها، جدید و به شکلی کاملاً مدرن فضای داخلی آنها طراحی شده است؛ اما نمای بیرونی آنها به شکل سنتی طراحی شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به هتل صفاییه اشاره کرد. مناسبات انسانی در درون این فضاها کاملاً مدرن می‌باشد. افرادی که به این هتل‌ها می‌آیند، با نمایی متفاوت از هتل‌های مدرن مواجه می‌شوند و احساس می‌کنند که تجربه جدیدی را برای اقامت در این فضا، پشت سر خواهند گذاشت. رستوران، کافی‌شاپ، لابی، اینترنت و هر آنچه که مربوط به فضاهای مدرن می‌باشد، در این مکان‌ها یافت می‌شود. از سوی دیگر، این فضاهای هیبریدی، خود را در بافت‌های قدیمی، بیشتر به شکل هتل سنتی و یا رستوران سنتی نشان می‌دهد. این اتفاق، زمانی شکل خاص به خود می‌گیرد که به این نکته توجه کنیم که در بافت‌های مدرن، فضاهای هیبریدی از ابتدا با این رویکرد و به این شکل، طراحی و احداث شده‌اند. هر چند این فضاها، نوعی استفاده در به خدمت گرفتن طراحی سنتی برای جلب مشتری است. اما در بافت‌های سنتی، فضاهای هیبریدی از تغییر کارکرد فضا، با به خدمت گرفتن عناصر مدرن به وجود آمده‌اند. تعبیر دقیق‌تری که از «تغییر کارکرد» می‌توان کرد، تغییر هویت این مکان‌ها است؛ تغییر هویتی که از هویت قبل تهی شده و منجر به هویتی جدید هم نمی‌شود، بلکه در

بی‌هویتی باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، این فضاها که کالبد و محتوای آن درهم تنیدگی و ارتباط معنایی مستحکمی با یکدیگر داشتند، به یکباره با ایجاد محتوایی جدید و کاملاً متضاد با کالبد این فضاها و محتوای قبلی، عملاً دچار دوگانگی شده و به موجوداتی تاکسی‌درمی شده تبدیل می‌شوند. این تغییر کارکرد و رویکرد تجاری به این فضاها سنتی را با جست‌وجویی ساده در تبلیغات اینترنتی این فضاها نیز می‌توان مشاهده کرد.

بزرگ‌ترین بی‌هویتی که در ابتدا با آن روبرو می‌شویم، تغییر خانه‌ای مسکونی با طراحی فاخر، به مرکزی تجاری است. ابتدایی‌ترین نماد این در هم ریختگی هویتی، تابلویی است که بالای در این خانه‌ها نصب شده است. «هتل سنتی»، «رستوران سنتی». کلمه «هتل» معرف فضای مدرن و کلمه «سنتی» معرف معنای سنتی است. زمانی که داخل خانه می‌شویم، اولین فضایی که داخل خانه با آن مواجه می‌شویم، رستوران و کافی‌شاپ است. میزها و صندلی‌های مدرن در کنار هم و به تعداد زیاد، برای مهمانی و میل کردن غذا چیده شده‌اند. ما افرادی را مشاهده می‌کنیم که مشغول جابجا کردن ظروف غذا و یا مشغول نظافت هستند. افرادی که برای میل کردن غذا به این مکان‌ها می‌آیند، اعم از فردی و یا گروهی، هیچ‌گونه ارتباطی بین آنها و افراد دیگر، که برای صرف غذا آمده‌اند وجود ندارد. در واقع ارتباطات انسانی، به هیچ وجه شکل نمی‌گیرد. حتی ارتباطی بین انسان و فضا نیز شکل نمی‌گیرد؛ زیرا نهایت تأثیری که فضا روی افراد می‌گذارد، این است که لذت آنها را از غذا خوردن بیشتر می‌کند. اتاق‌های داخل این خانه‌ها، مبل و تخت خواب شده هستند. اطراف خانه سیستم‌های صوتی وجود دارند که صدای موسیقی پاپ از آنها به گوش می‌رسد.

عکس ۳. طراحی رستوران، داخل هتل سنتی داد



۴. فضاهای مدرن

بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که مدرنیته، یعنی منش و شیوه زندگی امروزی و جدید که به جای شیوه کهن نشسته و آن را نفی کرده باشد. در تعبیری فراتر از اینکه بودلر ارائه کرده، مدرنیته یعنی درک این واقعیت که چیزهایی از زندگی کهنه در زندگی نو باقی مانده‌اند و ما باید با آنها بجنگیم (بهنام و جهاننگلو، ۱۳۸۲، ص ۱۱). این مفهوم، در مسیر تاریخی خود، با مسئله تغییر شکل شهرها و رشد شهرنشینی و پیدایش نهادهای جدید اجتماعی، حضور مردم در عرصه‌های مختلف و ایجاد نظام‌های قانونی همراه شده است (حقیقی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). فضاهای کاملاً مدرن در شهر یزد، بیشتر به صورت آپارتمان و یا خانه‌های سازمانی یک یا چند طبقه احداث می‌شود. انبوهی از خانه‌ها، با نمایی معمولاً آجری، که در بعضی موارد از سنگ‌های دیگر هم استفاده می‌شود. عناصر پیونددهنده این فضاها، بیشتر خیابان و بلوار می‌باشد و کوچه نقش کمتری در این پیونددهی دارد. افرادی که در این فضاها ساکن می‌شوند، معمولاً از نقاط دیگر شهر یزد به صورت پراکنده و یا حتی از شهرهای دیگر، به آنجا آمده‌اند. در نتیجه، غیرهمگن بودن و تراکم، از ویژگی‌های مهم این فضاها می‌باشد. امام شهر، آزاد شهر، صفائیه و شهرک‌های اطراف شهر یزد، نمونه‌هایی از این فضاها هستند.

عکس ۴. فضاهای مدرن (خیابان، میدان، آپارتمان)

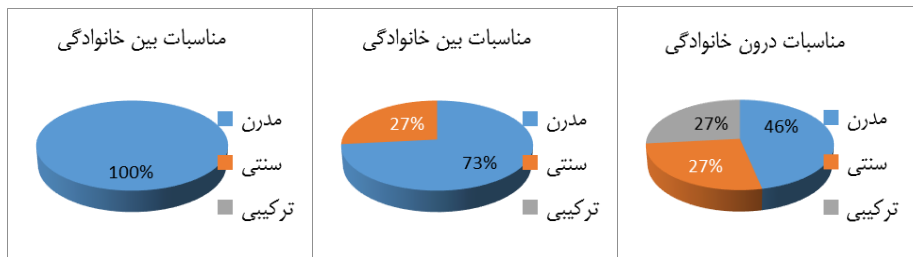


یافته‌های مصاحبه‌ای

در این پژوهش، برای طراحی مصاحبه نیمه ساخت یافته، ابتدا جهت‌های مورد نظر در مصاحبه مشخص و بر اساس آنها، جدولی طراحی شده است که شامل سه بخش: ۱. مناسبات درون خانوادگی، ۲. مناسبات خویشاوندی، ۳. مناسبات همسایگی می‌باشد. در هر بخش، گزاره‌هایی طراحی شده‌اند که مرتبط و مختص حوزه مورد نظر خود می‌باشند. روابط افراد را در این حوزه‌ها، به دو صورت مدرن یا سنتی مورد

جدول ۳. جمع‌بندی کل پانزده مصاحبه انجام شده (فضای مدرن)

شماره مصاحبه	مناسبات درون خانوادگی			مناسبات بین خانوادگی			مناسبات همسایگی		
	مدرن	سنّتی	ترکیبی	مدرن	سنّتی	ترکیبی	مدرن	سنّتی	ترکیبی
اول	✓				✓			✓	
دوم	✓				✓			✓	
سوم	✓				✓			✓	
چهارم	✓			✓				✓	
پنجم	✓			✓				✓	
ششم		✓		✓				✓	
هفتم	✓			✓				✓	
هشتم			✓	✓		✓		✓	
نهم			✓	✓		✓		✓	
دهم		✓		✓				✓	
یازدهم		✓			✓			✓	
دوازدهم			✓	✓		✓		✓	
سیزدهم			✓	✓		✓		✓	
چهاردهم	✓			✓				✓	
پانزدهم		✓		✓				✓	



در مناسبات درون خانوادگی

در فضاهای مدرن، مناسبات درون خانوادگی مدرن، ۴۶ درصد و تقریباً دو برابر سنّتی (۲۷درصد) و ترکیبی (۲۷ درصد) است.

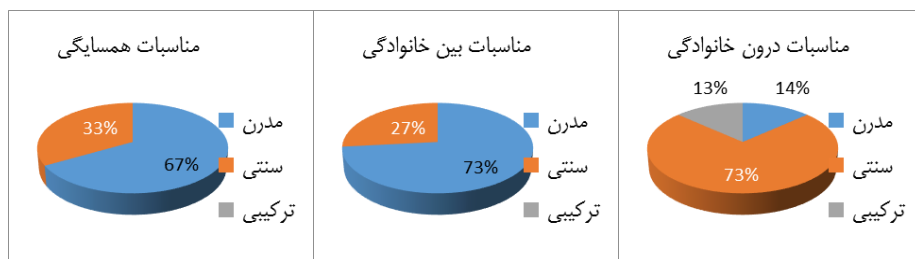
در فضاهای مدرن، درصد خانواده‌های ترکیبی ۲۷ درصد، یعنی حدوداً دو برابر میزان ترکیبی در فضاهای سنّتی که ۱۳ درصد می‌باشد. اگر مسیر حرکت سبک زندگی در شهر یزد را از سنّتی به ترکیبی و سپس، به مدرن در نظر بگیریم، در فضاهای مدرن درصد قابل ملاحظه‌ای از خانواده‌ها در مرحله ترکیبی هستند؛ یعنی در حال گذار از مرحله سنّتی و ورود به مرحله مدرن هستند. از این رو، درصد ترکیبی در فضاهای مدرن، در مقایسه با درصد ترکیبی در فضاهای سنّتی بیشتر است و سیر حرکت در فضاهای سنّتی کمتر و یا کندتر است.

در مناسبات همسایگی و خویشاوندی

در فضاهای مدرن، تقریباً اکثر خانواده‌ها دارای روابط مدرن می‌باشند.

جدول ۴. جمع‌بندی کل پانزده مصاحبه انجام شده (فضای سنتی)

شماره مصاحبه	مناسبات درون خانوادگی			مناسبات بین خانوادگی			مناسبات همسایگی		
	مدرن	سنتی	ترکیبی	مدرن	سنتی	ترکیبی	مدرن	سنتی	ترکیبی
اول		✓			✓			✓	
دوم			✓		✓			✓	
سوم		✓			✓		✓		
چهارم		✓			✓			✓	
پنجم		✓			✓		✓		
ششم		✓			✓		✓		
هفتم			✓		✓			✓	
هشتم		✓			✓		✓		
نهم					✓				✓
دهم		✓			✓			✓	
یازدهم					✓				✓
دوازدهم		✓			✓			✓	
سیزدهم		✓			✓			✓	
چهاردهم		✓			✓			✓	
پانزدهم		✓			✓			✓	



در مناسبات درون خانوادگی

در فضاهای سنتی، مناسبات سنتی درون خانوادگی، ۷۳ درصد؛ یعنی حدوداً ۶ برابر ترکیبی (۱۳ درصد) و مدرن (۱۴ درصد) می‌باشد، این موضوع با توجه به توضیح شماره دو، مربوط به این است که درصد ترکیبی کمتری داریم؛ به این معنی که در فضاهای سنتی و مناسبات درون خانوادگی، خانواده‌های کمتری در حال گذر به مدرن شدن هستند و بیشتر در همان روابط سنتی استقرار دارند.

در مناسبات بین خانوادگی

نسبت تغییرات و سبک زندگی در هر دو فضا، به لحاظ آماری شبیه و نزدیک به هم می‌باشد. هر چند به لحاظ آماری، فضاهای سنتی و مدرن شبیه به هم هستند، ولی یکی از دلایل این تغییرات گسترده در فضاهای سنتی، با توجه به مصاحبه‌هایی که انجام شده، این است که درصد زیادی از خانواده‌هایی که در فضاهای سنتی زندگی می‌کنند، اقوامشان در فضاهای مدرن زندگی می‌کنند. این تغییرات متأثر از فضاهای مدرن می‌باشد. در واقع، این رفتار ساکنان فضای سنتی، متأثر از فضای مدرن می‌باشد که به لحاظ اندازه و حجم، کوچک هستند. در نتیجه، در روابط بین خانوادگی مؤثر می‌باشند. به عبارت دیگر، دو فضای سنتی و مدرن در یک زورآزمایی و اعمال قدرت، از توسعه یکی به نفع دیگری جلوگیری کرده‌اند. این خود، بیانگر تأثیر فضاهای شهری بر مناسبات اجتماعی می‌باشد.

در مناسبات همسایگی

در فضاهای سنتی، درصد قابل توجهی از خانواده‌ها روابط سنتی دارند، هر چند درصد آن نسبت به روابط بین همسایگی در فضای مدرن کمتر است. در این فضاها، در مقایسه با فضاهای مدرن، که تمام خانواده‌ها روابط مدرن دارند، خانواده‌ها در فضاهای سنتی، به میزان زیادی توانسته‌اند روابط سنتی خود را حفظ کنند. در واقع، اینجا مقایسه آماری نمی‌تواند تحلیل خوبی ارائه دهد، بلکه مقایسه باید به صورت کیفی باشد؛ بدین صورت که در فضاهای مدرن، روابط به‌طور کلی مدرن شده است، بدون اینکه درصدی از روابط سنتی باقی گذاشته باشد. اما در فضاهای سنتی، درصد قابل توجهی از مناسبات سنتی است و این بیانگر تأثیر فضاهای سنتی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، این پژوهش پاسخ به پرسش اصلی پژوهش است که فضاهای شهری، دارای نسبت‌های قابل مشاهده‌ای در مناسبات اجتماعی و سبک زندگی است. به تعبیری دقیق‌تر، بین دو متغیر فضاهای مدرن، و پیامدهای اجتماعی در شهر، رابطه و نسبت وجود دارد. نسبت قابل مشاهده در نمودهای فضایی مدرنیته، که مربوط به یافته‌های مصاحبه‌ای هستند و در اکثر مصاحبه‌ها ثابت می‌باشند، بدین صورت است.

در فضاهای سنتی:

۱. در روابط بین همسایگی شناخت نسبت به همسایه‌ها بالاست.
۲. در روابط بین همسایگی معاشرت پایین است.
۳. در روابط بین خانوادگی (خویشاوندی) همدلی بالا است.
۴. اولویت ملاک‌های ازدواج در درجه اول ایمان و اخلاق می‌باشد.

نکته قابل توجه در روابط بین خانوادگی در فضاهای سنتی، این است که درصد قابل توجهی از روابط مدرن می باشد. این ویژگی، بنابر اطلاعات دریافتی از مصاحبه‌ها، به علت وجود تعداد زیادی از بستگان در فضاهای مدرن می باشد. این ویژگی موجب شده که ارتباط افراد ساکن در فضاهای سنتی با فضاهای مدرن صورت گیرد. ارتباط این فضاها با یکدیگر، نسبت‌های قابل مشاهده‌ای از مسائل اجتماعی را موجب شده است.

در فضاهای مدرن:

۱. در روابط بین همسایگی، شناخت نسبت به همسایه‌ها پایین است.

۲. نوع معاشرت در روابط بین همسایگی، به میزان ۱۰۰ درصد مدرن است.

۳. اولویت ملاک‌های ازدواج در درجه اول ایمان و اخلاق می‌باشد.

به‌طور کلی، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هر چند مدرنیته در ابعاد مختلف و با متغیرهای گوناگون، بر تعاملات اجتماعی تأثیرگذار است، اما نمودهای فضایی آن در حوزه شهری، که موضوع پژوهش می‌باشد، دارای نسبت‌های قابل مشاهده‌ای با تعاملات روزمره زندگی افراد می‌باشد.

منابع

- افروغ، عماد، ۱۳۷۷، *فضا و جامعه، فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد، ۱۳۹۱، یزد پردیس کویر راهنمای گردشگری استان یزد، انتشارات آرتاکاوا.
- اکبرزاده، محسن، ۱۳۹۶، *دوهفته‌نامه طراح امروز*، ش ۲۲، ص ۳.
- برمن، مارشال، ۱۳۸۰، *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، طرح نو.
- بی، ارل، ۱۳۸۱، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت.
- پرهام، باقر، ۱۳۵۵، «زندگی و شهر»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، دانشگاه تهران، تهران.
- توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۶۹، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.
- بهنام، جمشید و رامین جهانگیرلو، ۱۳۸۲، *تمدن و تجدد*، تهران، نشر مرکز.
- جیکوب، جین، ۱۳۷۳، *شهر یک اثر هنری نیست*، ترجمه منوچهر مزینی، از کتاب مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، تهران. حقیقی، شاهرخ، ۱۳۸۱، *گذار از مدرنیته*، تهران، نشر آگه.
- حییم، سلیمان، ۱۳۷۴، *فرهنگ معاصر انگلیسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹، *اتوبی و عصر جدید*، تهران، نشر ساقی.
- ژیلنیتس، آندژی یان لئون، ۱۳۹۳، *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمود شورجه، تهران، مدیران روز.
- فرخ‌فر، سوده، ۱۳۹۲، *بررسی ویژگی‌های معماری فضای هیبریدی و مقایسه آن با معماری اسلامی*، اولین همایش ملی ساختمان آینده، ساریف کانون مهندسين ساری.
- شولتز، کریستیان نورنرگ، ۱۳۵۳، *هستی، فضا و معماری*، ترجمه محمدحسن حافظی، تهران، بی‌نا.
- لاین، دیوید، ۱۳۸۰، *پسامدرنیته*، ترجمه محسن حکیم، تهران، نشر آشتیان.
- مک له لان، دیوید، ۱۳۷۹، *کارل مارکس*، ترجمه عبدالعلی دستغیب، تهران، نشر پرسش.
- وبر، ماکس، ۱۳۶۹، *شهر در گذر زمان*، ترجمه شیوا کاویانی، تهران، شرکت سهامی انتشارات.
- هولستی، ال، آر، ۱۳۹۱، *تحلیل محتوای در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی
- هادی جابری مقدم، مرتضی، ۱۳۸۴، *شهر و مدرنیته*، تهران، فرهنگستان هنر.
- شماعی، علی، ۱۳۸۹، «نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد»، *مطالعات نسه‌ایرانی اسلامی*، ش ۱، ص ۹۳-۱۰۵.
- Brunet R, et al, 1992, *Collection dynamique duterri to ire, les most de la geographie dictionnaire critique Gip reclue*, la documentation francaise.
- Durkeim, 1982, *The Rules of sociological Method and selected texts on sociology aim its Methods*.
- Frisby, D, 1997, *Intyoduction to the texts in frisby*, d. and feathersone , M. simmel on culture, London, sage.
- Simmiel, G, 1997, *The sociology of space*, in frisby, D. and Featherstone , M . (eds) sinmelon culture, London.
- Goffman, E, 1971, *The presentation of self in Every day life*, Harmonds worth: pelican.
- Werlen, B, 1993, *society, Action and space*, London, routledge.